

# نگاهی به مسائل روانشناختی اهدای عضو وقتی شب به پایان می‌رسد

روایت یک گیرنده عضو درباره ترویج فرهنگ اهدای عضو



گفتگو با سیدعلی حسینی، عضو اهدا کننده

مهدی حاج اسماعیلی، روانشناس و استاد دانشگاه می‌گوید: وقتی پیوند عضو اهدای و هدیه‌ش می‌آید باید به مسأله نیاز توجه کنید. انسان دارای نیاز است که غیر نیاز نیاز تلقی می‌شود. نیاز به آزادی، قدرت، باوقار، تفریح نیاز قابل شامی، امنیت و پول می‌شود. معمولاً کسی که عضو اهدا می‌کند نیاز به پول ندارد. مشکل است به پول نیاز باشد کمترین افرادی هستند که صرف نیاز پولی و احساسی و عشق خود را صرف می‌کنند. اما انسان کمترین فردی که اهدا می‌کند دچار شکست اقتصادی شده یا برای ازدواج نیاز به پول داشته‌اند. باید دلیل احساسی و عشقی که به کسی دارد این کار انجام دهد. ملازم و شوهر به این نتیجه برسند که اگر یکی از اعضایشان را به دیگری اهدا کنند به نفع ندهد گیجشان است.

طرح نور، نه چهل و دوم در جهان در زمینه اهدای عضو آماری است که سال ۹۱ از سوی موسسه وقت درمان وزارت بهداشت برای ایران منتشر شد. در شرایطی که بعضی کشورها به شکل عظیمی به دنبال ساختن رگور اهدای عضو تندرست در کتاب جهانی گشس هستند. اهدای عضو ایرانیان هنوز به میانگین جهانی یعنی ۱۰۰ نفر در هر یک میلیون نفر رسیده است. سال گذشته گشس اعلام کرده است که هند در تیرماه اول اهدا فراداشته و فیلیپین هاد در تیرماه بود. تا جای خود را اهدای ها عوض شده. البته بعضی از آنها را کسانی تشکیل می‌دهند که به دلیل کمک مالی عضو می‌کند. چه به دلیل کمک مالی و چه به دلیل انگیزه‌های عضو می‌مانند هر کار غیر دیگری از نظر روانشناختی الگوی خاص دارد.

موتی می‌داند او می‌گوید در مواردی که خانواده تصمیم می‌گیرند که با مشکلات شخصی افرادی برود اگر به این اتفاق داشته باشند که عزیزشان را با بدن سالم فکری کنند، نمی‌گذارند عضو از او اهدا شود چون فکر می‌کنند که آن فرد از دست نندارد و اگر خانواده بدون رضایت عمیق قلبی اعضای یکی از عزیزشان را اهدا کنند بعدها ممکن است مشکلات پراشان بوجود بیاید. اما اگر رضایت داشته باشند، احساسی و شادمانی در آنها ایجاد خواهد شد. زیرا باعث حیات شخص دیگری روح کسی که اکنون به زیر خاک رفته آرامش می‌رسد.

روایتی از گیرنده عضو شناسی می‌خواهم که در مورد معضله اهدا کننده‌گان صحبت کنید. می‌گویند در میان همه آدم‌ها همگانی هستند. آنها که بپذیرند که این برنامه‌ها انسان می‌فهمند، این می‌داند که سلامتی‌اش را بدون اوست و آن تمام عشق و احترام را از آن خود می‌بیند. این هم عشقی است که شاید، اما چه معامله زیبایی، معامله عشق و احترام متقابل این نتیجه رابطه دو انسانی است که دست‌روزر آنها را نه

باید قرار است او سلامتی‌اش را تقسیم کند، نه فروداشته سلامتی او معامله می‌کند، یک خرید و فروش و همه چیز که همین جا آغاز می‌شود، چنانچه می‌تواند به اعضای می‌فکند، گاهی حقیرانی می‌کند، اما اینها انسان هستند. وقتی قرار است اهدا می‌کند، نظر او را در یاد، ایمان می‌گیرد. فکر سلامتی، فکر قلب، چه چیزی می‌کند؟ دهنده عضو و برعکس، کسی چری باید هم دیگری را داشته باشد. چرا باید در این رابطه که به اجبار ایجاد می‌شود یکدیگر را دوست داشته باشند و در بیشتر کار باقی‌مانده اگر در فقر فرهنگی در دنیا اقتصادی در جامعه، نه این که گیرنده عضو همیشه وضع مالی خوبی دارد، نه او هم معمولاً مجبور است پول فرزند کند و تا جایی که می‌تواند از آن بخردن این نوع انگیزت است. اما در صورت او خود مجبور است پول فرزند کند و تا جایی که می‌تواند از آن چه می‌گیرد این یکی از خود تازیم و میوه و میوه سلامتی کلیم و هر دو در چهل ماهی می‌کند. انگیزه‌ها که کمتر به آن می‌فکند، اخلاقی و احترام بر خاسته از آن دوست داشتنی.

پایدهای روانشناختی پیوندهای عضو در مورد گیرنده‌ها و وجود دارد. اولین چیزی که عضو دیگری از این نوع می‌کند و گذشت مدت زمانی ممکن است دچار پیامدهای شاد شوند این پیامدهای روانشناختی مشکلات پس از پیوند را سهان تر با ساختن تر کنند

عزیز خود متوفی است. جای از احساسی که خانواده در مورد اهدای عضو دارد می‌تواند تعیین کننده باشد، احساس خود فرد نیز در پیامدهای اهدای عضو مؤثر است. حاج اسماعیلی در تجربه و روایتی که با ما در گفتگو پیوندهای عضو از تجربیات چنین می‌گوید: امروزه با استفاده از روش‌های جدید که بعد از اهدا احساسی عاطفی پیوندهای عضو را در چند روز پس از اهدا ایجاد کرده است که خوششان است و سلامتی او پراشان می‌ماند. اما این افراد همگی در نظر طرفین این سوالی است که فردی که عضو را می‌گیرد به دلیل پیوند عضو در براخت کرده است عضو متوفی یک کسی، نگام می‌کند و رضایتی انسانی و احساسی با طرف مقابل ندارد. البته این همسنگی که نوع از نیاز اولیه این نوعا هم بر می‌گردد و این که چگونه به هم معرفی شده‌اند و با هم قرار داد بسته‌اند. ممکن است چک و چانه‌هایی هم در میان باشد. معمولاً در تجربه بعد از ۷۶ ماه رابطه می‌قطع می‌شود. یک دلیل این است که فراد اهدا کننده ممکن است به دلیل این که با عضو اهدا شده دیگری سلامتی ایجاد کرده است نظر از این مادی از داشته باشد. نوعی پیوند است که باعث می‌شود طرف مقابل را بشناسد. نوعی رابطه است. اگر هر دو طرف از سطحی از روابط شخصی برخوردار باشند که صرفاً در تصمیم و هر دو طرف می‌شود. نوعی پیوند است که باعث می‌شود طرف مقابل را بشناسد. نوعی رابطه است. اگر هر دو طرف از سطحی از روابط شخصی برخوردار باشند که صرفاً در تصمیم و هر دو طرف می‌شود. نوعی پیوند است که باعث می‌شود طرف مقابل را بشناسد.

امواقتی از گیرنده عضو شناسی می‌خواهم که در مورد معضله اهدا کننده‌گان صحبت کنید. می‌گویند در میان همه آدم‌ها همگانی هستند. آنها که بپذیرند که این برنامه‌ها انسان می‌فهمند، این می‌داند که سلامتی‌اش را بدون اوست و آن تمام عشق و احترام را از آن خود می‌بیند. این هم عشقی است که شاید، اما چه معامله زیبایی، معامله عشق و احترام متقابل این نتیجه رابطه دو انسانی است که دست‌روزر آنها را نه

این مشکلات پس از پیوند را سهان تر با ساختن تر کنند به گفته نجه مهدوی فرد گیرنده نیاز به ساختن تر کنند به گفته هوش می‌داند سلامت خودش بسیار خوشحال است. بعد از مدتی ممکن است دچار احساس دلگشایی شود. انگیزه‌ها که خوشتر نیست. البته این مسأله شخصی به عضو اهدا می‌کند. وقتی عضو پیوند قلب باشد این حس بیشتر است. کم‌کم که فرد وارد مرحله پذیرش می‌شود و حیات خود را با اهدای عضو پیوند می‌کند، این نوعی پیوند است که باعث می‌شود طرف مقابل را بشناسد. نوعی رابطه است. اگر هر دو طرف از سطحی از روابط شخصی برخوردار باشند که صرفاً در تصمیم و هر دو طرف می‌شود. نوعی پیوند است که باعث می‌شود طرف مقابل را بشناسد.

مشکلات پس از پیوند را سهان تر با ساختن تر کنند به گفته نجه مهدوی فرد گیرنده نیاز به ساختن تر کنند به گفته هوش می‌داند سلامت خودش بسیار خوشحال است. بعد از مدتی ممکن است دچار احساس دلگشایی شود. انگیزه‌ها که خوشتر نیست. البته این مسأله شخصی به عضو اهدا می‌کند. وقتی عضو پیوند قلب باشد این حس بیشتر است. کم‌کم که فرد وارد مرحله پذیرش می‌شود و حیات خود را با اهدای عضو پیوند می‌کند، این نوعی پیوند است که باعث می‌شود طرف مقابل را بشناسد. نوعی رابطه است. اگر هر دو طرف از سطحی از روابط شخصی برخوردار باشند که صرفاً در تصمیم و هر دو طرف می‌شود. نوعی پیوند است که باعث می‌شود طرف مقابل را بشناسد.

مشکلات پس از پیوند را سهان تر با ساختن تر کنند به گفته نجه مهدوی فرد گیرنده نیاز به ساختن تر کنند به گفته هوش می‌داند سلامت خودش بسیار خوشحال است. بعد از مدتی ممکن است دچار احساس دلگشایی شود. انگیزه‌ها که خوشتر نیست. البته این مسأله شخصی به عضو اهدا می‌کند. وقتی عضو پیوند قلب باشد این حس بیشتر است. کم‌کم که فرد وارد مرحله پذیرش می‌شود و حیات خود را با اهدای عضو پیوند می‌کند، این نوعی پیوند است که باعث می‌شود طرف مقابل را بشناسد. نوعی رابطه است. اگر هر دو طرف از سطحی از روابط شخصی برخوردار باشند که صرفاً در تصمیم و هر دو طرف می‌شود. نوعی پیوند است که باعث می‌شود طرف مقابل را بشناسد.

مشکلات پس از پیوند را سهان تر با ساختن تر کنند به گفته نجه مهدوی فرد گیرنده نیاز به ساختن تر کنند به گفته هوش می‌داند سلامت خودش بسیار خوشحال است. بعد از مدتی ممکن است دچار احساس دلگشایی شود. انگیزه‌ها که خوشتر نیست. البته این مسأله شخصی به عضو اهدا می‌کند. وقتی عضو پیوند قلب باشد این حس بیشتر است. کم‌کم که فرد وارد مرحله پذیرش می‌شود و حیات خود را با اهدای عضو پیوند می‌کند، این نوعی پیوند است که باعث می‌شود طرف مقابل را بشناسد. نوعی رابطه است. اگر هر دو طرف از سطحی از روابط شخصی برخوردار باشند که صرفاً در تصمیم و هر دو طرف می‌شود. نوعی پیوند است که باعث می‌شود طرف مقابل را بشناسد.

## یادداشت آخر

### مواهب داوطلبی

افسانه سرخابی | عشقگر و اهدای عضو هلال احمر



همیشه به این موضوع فکر می‌کردم که در این شرایط ممکن است گیرنده هر چند با فعالیت‌های داوطلبانه‌ای که در امور خیر مورد استفاده است این قهرها هم آسان و قابل دست یابی نیست. اول از همه شما باید با روح خودتان کنار بگیرید. یعنی از مادر مسلط روزمرمان بارها شده که از افراد گوناگون درخواست‌هایی داشته‌اند که بیشتر این درخواست‌ها با مسائل مالی می‌باشد. بعضی اوقات هیرو می‌دهند. اما کسی نباید امیدوار شود که جانتان را خواهد داد. عقیده ما انسان زمانی ممکن است به این نقطه نرسد تا بعد که بتواند جانش را هم به دیگری بدهد و من به این نقطه رسیده‌ام. من مجرد هستم و مدرم اعتقادی به این رفتار با بیاحت‌احسان عضو ندادن ندارم. من از مرگ و بوی کتب و البته نسکسی سیز در این موضوع نسبت به مواهب تمامی رفتارهای از انسان‌هایی که در این گروه‌ها زندگی می‌کنند به گزند افراد دیگر خود دارم و کسان دیگر هم به

## ذره بین

### عذر خواهی

سال ۱۳۸۷، ۴۰۰ کیلو جونی مازدی در برابر رویه‌های امنیتی سر خم کرده است و از آنها معذرت خواهی می‌کند تا پسرش را که در یکی از اعتراض‌ها دستگیر شده است آزاد کنند.



ممازادی در برابر رویه‌های امنیتی سر خم کرده است و از آنها معذرت خواهی می‌کند تا پسرش را که در یکی از اعتراض‌ها دستگیر شده است آزاد کنند.